

الهی به امید تو الهی به امید تو الهی به امید تو دوره پول سازی جلسه دوم از فایل صوتی دکتر محمد بصیری

سلام عرض می کنم خدمت همه شما دوستان نازنینم. به دومین جلسه از کلاسهای پول سازی خیلی خوش آمدید. باور نمی کنید که من چقدر مشتاقم برای اینکه تغییری توی زندگیون ببینم. باور نمی کنید که من چقدر مشتاق تر از شما هستم تا شما به پول دست پیدا کنید و زندگیون را فوق العاده کنید. کلاس پول سازی دو کار میتونه برای تو انجام بده. یکی اینکه اگر درآمد داری، درآمدت را حداقل دو برابر کنه طی سه ماه. دوم اگر شغلی نداری شغل آبرومند و درست برات پیدا کنه. کلاسهای پول سازی معجزه زندگی شماست. میخام همین اول کاری چندتا نکته بهترتون بگم، و بعد بریم سراغ گاو صندوق و رمز و ادامه بحثمون. یک سری سوال به آیدی پشتیبانی فرستادین. پرسیده بودید که آقای بصیری من شاغلم، آیا الان که می خواهید دوره را شروع کنید و جلو برید، من شغل قبلی ام را استعفا بدم یا نه؟ خیلی از عزیزانی که تو حوزه کسب و کار آموزش میدن میگن شغل قبلی را ول کن برو سراغ شغل جدید ولی من موافق نیستم. من میگم تا پایان سه ماه اگر شاغلی به شغلت دست نزن. یعنی اگر جایی کارمندی از صبح تا بعد از ظهر کار می کنی، باش و هنوز کار کن تا پایان سه ماه. پایان سه ماه تصمیم می گیریم که شغل قبلی را ادامه بدیم یا توی کسب و کار جدیدی وارد بشیم و شغل جدیدی را شروع کنیم و توضیحاتی از این قبیل. پس عزیزانی که شاغل هستن تا پایان سه ماه، شغلشان را عوض نکنند. نکته دومی که می خواهم بهترتون بگم، اینه که ازم پرسیده بودید که ما فلان کلاس شرکت کردیم، فلان استاد این را گفته و از این حرفها. من همیشه توی این 12 سال، در شرکت کننده های کلاسهایم یک نکته ای را می دیدم. آنهایی که کلاسی شرکت نکردند، نتایج بهتری گرفتن. آنهاییکه که کتابی نخوندن نتایج بهتری گرفتن. آنهاییکه پیش زمینه ذهنی ندارند، نتیجه بهتری گرفتند. چرا؟ چون 99 درصد کتابها، کلاسها و آموزشهایی که میدن، آموزشهای درستی نیست. به خاطر همین زمانیکه من بهشون آموزش میدم، هی تو ذهنشون می خواهند آموزش من را مقایسه کنند با آموزش قبلی. نه آموزش من را درست اجرا می کنند نه آموزش قبلی را. ازتون میخام که اگر وارد دوره من شدید، فوجان ذهنتون را خالی کنید. یاد بگیرید که هرچی توی ذهنتون بوده را بریزید دور و فقط فقط چیزهایی که من به شما عزیزانم میگم را اجرا کنید. پس فقط نکاتی که من میگم را اجرا کنید. اصلا کاری نداشته باشید که فلانی چی گفته یا چی نگفته. همه را بریزید دور و فقط آموزش های من را اجرا کنید. زمانیکه فوجان ذهنتون تا نصف پر باشه چه اتفاقی میفته؟ من آموزش های جدید میدم، فوجانتون پر میشه و دست و بالتون را می سوزونه. زمانیکه فوجان ذهنت خالی نباشه چه اتفاقی میفته؟ اصلا گنجایش ورودی جدید را نداره. چیزهایی که بهترتون یاد میدم، فایده ای نداره. پس اگر آمدی توی این دوره نگو من خودم فلان کتاب را خوندم، فلان دوره را شرکت کردم. همه را بریز دور و همه حواست و همه ذهنت را فقط بده به دوره و هر چیزی که تا امروز آموزش دیدی بریز دور. فقط چیزهایی که من میگم را اجرا کن. قرار شد سه ماه با روش من زندگی کنی. پایان سه ماه ببینم روش محمد بصیری بهتر بود؟ یا آن زندگی که تا به امروز داشتی؟ پس فقط و فقط و فقط چیزهایی که من میگم را اجرا کنید. نکته سوم مغز ما آدمها کارش حفظ وضعت موجود. میگید کدام قسمت مغز است؟ میشه مغز خزنده که نمی خواهم توضیحات علمی بهترتون بدم که کدام قسمت مغز این کار را انجام میده؟ ولی کار مغز ما انسانها کارش حفظ وضعیت موجود. مغز ما انسانها زمانیکه شما می خواهید تغییر کنید، چون کارش حفظ وضعیت موجود؛ جلوی تغییرتون را میخاد بگیره. چون فکر میکنه هر تغییری خطرناک و چون مغزت نمیخاد خطر کنه جلوی تغییر را میگیره. میخاد وضعیت موجودت را حفظ کنی. مغز تو اگر الان بیکاری، دوست داره همین طور بیکار بمانی، چون برای مغزت تغییر زندگی خطرناک. اگر الان بدبختی، مغزت میخاد چیکار کنه، میخاد بدبخت بمونی، نمیخاد شرایطت تغییر کنه. مغز ما انسانها کارش حفظ وضعیت موجود. برای همین زمانیکه وارد یک دوره مثل دوره من میشی، مغزت میخاد جلوی پیشرفتت را بگیره. چجوری مغزت جلوی پیشرفتت را میگیره؟ سه تا راه داره. من ایمان دارم به آموزشهایی که به شما عزیزان میدم. سه ماه اجرا کن، نتایجش را ببین و حالش را ببین. حالا مغزت چجوری جلوی تو را میگیره؟ سه راه داره. یکی اینکه شک ایجاد میکنه نسبت به مدرس. زمانیکه تو میخای تغییر کنی. زمانیکه میخای درآمدت را افزایش بدی، زمانیکه میخای از خوابیدن تا ظهر بری سر کار، زمانیکه میخای کسب و کار ایجاد کنی؛ اولین کاری که مغزت انجام میده، شک نسبت به مدرس. شک میاره تو ذهن، نه این خودش اصلا اینجوری نبوده، اصلا به درد نمیخوره. جالب بود که امروز یکی از کانالها، آمده بود زده بود که بصیری به این علت داره دوره را برگزار می کنه که میخاد نامزد نمایندگی مجلس بشه. حالا درست و غلطش را من کار ندارم، ولی شرکت کننده های من از کل کشورند. من کدام شهر میخام پیام نماینده بشم. اصلا واسه من خنده دار بود. نگاه کنید مغز ما انسانها کارش حفظ شرایط موجود. میخاد همینی که هستی تا آخر عمر بمونی. اگر الان برای هزار تومان داری سگ دو میزنی، میخاد همینجوری تا آخر عمر برای هزار تومان سگ دو بزنی. پس اول چیکار میکنه مغزت، شک نسبت به مدرس ایجاد میکنه. این آقای ریشو، اصلا ریش داره. معلوم به یک جایی وصل. وقتی ببینه شک نسبت به مدرس جواب نمیده؛ میره وارد راه دومش میشه. میخاد شک نسبت به مدرس ایجاد کنه تو یکسر با خودت میگی که نه، مدرسی که من دارم عالییه من چندین سال که دارم که دارم دنبالش می کنم، در شهرهای مختلف همایش رفته، من میشناسمش از نزدیک. پدر و مادرش کاملا معمولی بودند، ارثی بهش نرسیده و از این حرفها. زمانیکه مغزت بفهمه که تو نسبت به مدرس ایمان داری دومین مرحله شک را ایجاد میکنه. دومین مرحله شک چیه؟ نسبت به آموزه های مدرس

شک ایجاد می‌کند. زمانیکه من یک چیزی را بهت یاد میدم مغزت می‌گه نه این چیزی را که داره می‌گه اجرا نکن. جواب نمیده اجراش نکن، به درد نمی‌خوره، این برای بقیه جواب داده، واسه تو جواب نمیده. پس دومین مرحله که مغزت میخاد جلوی تو را بگیره، نسبت به آموزه‌های من برات شک ایجاد می‌کند. اگر تو دوباره بیای بی‌گي نه، بصیری به من گفته سه ماه همین‌ها را انجام بده، اصلا کار با این نداشته باش که پیشرفت می‌کنی یا نمی‌کنی. تو سه ماه انجام بده نتایج پایان سه ماه میاد. تو فقط انجامش بده. اگر مغز نتونه نسبت به آموزه‌های من برای تو شک ایجاد کنه وارد مرحله سوم میشه. مرحله سوم مغزت چیه؟ بهت می‌گه عزیزم تو مال این حرفها نیستی. بصیری خودش آدم خوب، آموزشهاش هم بی نظیر اما تو مال این حرفها نیستی. میزنه تو سرت. تو عمرا پولدار بشی، عمرا به جایی تو زندگی برسی. هی تخریب می‌کنه. و اگر تو مقاومت کنی، مغزت بعد از چند وقت کلا همراهت میشه. می‌گه من این همه زور زدم، این داره با قدرت بیشتری جلو میره. بگذار کمکش کنم. پس باید چند هفته ای نسبت به این سه تا شکی که مغزت ایجاد می‌کنه، مقاومت کنی عزیز دلم. نکته چهارم عزیزانم اگر مسیر من را شروع کردید که شروع کرده اید نباید وسط راه ولش کنید من زمانیکه متافیزیک را به شما آموزش میدم اگر شما وسط راه ولش کنی فکر می‌کنی چه اتفاقی میفته؟ وضعت حتی بدتر از وضع روز اول میشه. اگر تو مسیر را شروع کردی باید تا تهش بری. نباید متوقف بشی نباید با هر قدمی که بر میداری به عقب نگاه کنی. باید تا آخر مسیر بری جلو نباید متوقف بشی. دقیقا مسیر موفقیت، مسیر پولدار شدن، مسیر ثروت سازی، مسیر ایجاد کسب و کار، مثل بالا رفتن از یک کوه. شما داری از یک کوه بالا میری به قله می‌رسی، فوق العاده اس. حالا تو وسط راه می‌گی نه جواب نمیده؛ اصلا داری با ماشین بالا میری، گاز دادی، گاز دادی، رفتی بالا به نصف راه رسیدی، نصف دامنه کوه رسیدی. اگر پا رو از روی گاز برداری، چه اتفاقی میفته؟ با سرعت چند برابر میخوری زمین و وضعیت بدتر از روز اول میشه. پس اگر وارد دوره شدی تا آخرش باید بری نباید متوقف بشی. باید تا تهش بری. من مطمئنم که پایان شبه سیه، سفید است. آخر هر شبی به روز ختم میشه. پایان این سه ماه تلاش تو چه ذهنی و چه جسمی، به نتیجه ختم میشه. باید تا آخرش بری نباید متوقف بشی. نکته پنجم نباید حرفهای دیگران برات مهم باشه. الان دوره من را شرکت کردی، هی با بقیه صحبت می‌کنی، من دوره بصیری را شرکت کردم. خوب فکر می‌کنی بقیه آدمها چی میگن؟ من جلسه پیش گفتم 99 درصد آدمهای اطراف ما آدمهای کاملا معمولی. آدمهای گنجشک روزیند. آدمهایی هستند که به شدت معمولی. یک آدم با زندگی معمولی، یک آدم کاملا متوسط، یک آدم گنجشک روزی، به او بگو می‌خواه ثروتمند شم، بهت چی می‌گی؟ می‌گه عمرا بتونی. خوب الان تو داری چیکار می‌کنی؟ داری خودت رو خراب می‌کنی. داری مدرست رو خراب می‌کنی. داری آموزشها رو خراب می‌کنی، داری ذهنت رو خراب می‌کنی، داری باورها رو خراب می‌کنی. با هیچکس صحبت نکن. چیکار داری که بقیه چیکار دارند؟ چیکار داری که بقیه دارند چیکار می‌کنند؟ چیکار داری هی به بقیه بی‌گي من دارم فلان کار را انجام میدم. توی سکوت کارت را انجام بده. بذار موفقیت هات سروصدا کنه. پس عزیز دلم قرار نیست من به بقیه بگم من دارم این کار رو انجام میدم. تو برو موفق شو. موفق شدی مثل بمب میترکونه. زمانیکه پول داشتی مثل بمب میترکونه. با بقیه کار نداشته باش. تو زمانیکه شروع کنی به تغییر و تحول، زمانیکه شروع کنی به تلاش ذهنی و جسمی کردن، آدمهای اطرافت هم عوض میشن. بصورت ناخودآگاه. از طریق هاله‌های انرژی. کلی اطلاعات تخصصی وجود داره راجع به این قضیه، تو با بقیه کار نداشته باش. تو فقط روی هدفت زوم کن. روی آن درآمدي که دوست داری زوم کن. و باورها رو درست کن. این چند تا نکته بود که خدمت شما عزیزانم گفتم، حالا برگردیم به توضیحات جلسه قبل. در جلسه قبل بهتون چی گفتم؟ گفتم فرمول طلایی پولدار شدن از طریق خوداشتغالی داریم. چند تا رمز داشت؟ فکر کن هفت تا رمز. یک رمز تو در اول بود، شش تا روی در دوم. حالا یک سوال؛ در اول مهمتر یا در دوم؟ قطعا، قطعا، قطعا با شدت شدید دارم میگم در اول مهم 99 درصد در اول مهم یک درصد در دوم مهم. این چیزیه که هیچ جای کشور بهت نمیکن. این چیزیه که آدم معمولی‌ها خبر ندارند. آدم معمولی‌ها فقط با تلاش جسمی جلو میرند، مثل کارگرها سگ دو می‌زنند و به جایی نمی‌رسند. در اول خیلی مهم. در دوم هم مهم ولی در اول از در دوم خیلی مهمتر. تو اول باید باورهای پولساز در خودت ایجاد کنی و بصورت متافیزیک سراغ پول بری. متافیزیک چی بود؟ همان چیزی بود که امام علی گفته بود، پول را به سمت تو میکشونه. میخام چند لحظه فکر کنی، شده تا به امروز حتی هزار تومان، ده هزار تومان، صد هزار تومان از یک جایی که انتظارش رو نداری به دستت برسه. فکر کن راجع بهش. تا حالا شده هزار تومان، ده هزار تومان، صد هزار تومان هرچقدر از یک جایی که انتظارش را نداری به دستت رسیده باشه؟ مطمئنم جواب همتون بله است. خوب چجوری بدستت رسیده؟ میگی خدا خواسته. اما چجوری؟ فکر کن این دقیقا همان حالتی که پول بسمت تو میاد بجای اینکه تو بسمت پول بری، از طریق متافیزیک. تو بصورت ناخودآگاه از طریق متافیزیک، پول جذب کردی. حالا پولهای دنیا دست کیه؟ دست خداست، برای خدا فکر می‌کنی فرقی داره که به تو هزار تومان یا صد میلیون تومان بده. باور کنی هیچ فرقی نداره. خدا که واحد پول من و تو برایش مهم نیست. خدا به میزان باورت بهت میده. تو باورت را قدرتمند کن، خدا به میزان باورت بهت میده. جهان هستی بر قانونی سوار است؛ قانون زندگی قانون باورهاست. تو زمانیکه باورهای قدرتمند در خودت ایجاد می‌کنی نتایج قدرتمند می‌گیری. پول نتیجه است، علت باور؛ به حرفم توجه کن، پول نتیجه است، علت باور. تو اول باید باورهای قدرتمند در خودت ایجاد کنی تا به نتیجه ثروتمندی برسی. خیلی وقتها اصلا به آدمها میگم عزیز دلم الان بنزین شده سه برابر. وضعیت جامعه تو فکر می‌کنی خیلی بد. حالا یک سوال؛ پول دست مردم هست

یا نیست؟ 99 درصد آدمها میگویند پول دست مردم نیست. این 99 درصد همان هایی هستند که زندگی های معمولی دارند. همان هایی هستند که یک شون گرو هشت شون و هشت شون گرو شانزده شون و هشت باید به این فکر کنند که آخر ماه میشه؛ یعنی حقوق دوباره به من میدن. اینهایی که میگویند پول نیست، همون هایی هستند که می ترسند، میگویند نکنه من از جائیکه الان هستم اخراج بشم. خوب ما الان آن گروه نهصد نفری که تو ایران عضویم فکر می کنید باورمون اینه پول هست یا نیست؟ ما همون باور داریم که پول هست. من هیچوقت هیچ جایی شاغل نبودم که از کسی حقوق بگیرم. حالا فرض کنید که من یک جایی شاغل بودم اگر آن آدم منو اخراج کنه چه اتفاقی میفته؟ خوب شما فکر کن اگر آن آدم منو اخراج کنه چه اتفاقی میفته؟ از دیدگاه من هیچ اتفاقی. من اعتقاد دارم پول هست. این اخراج کنه، ببخشید مگه روزی رسان من بنده های خدا هستند، روزی رسان من خداست. اگر از کارم اخراج بشم ایرادی نداره، جای بعدی میرم. من اصلا توی ذهنم دیدگاهم این که در واقعیت، من در دنیا پیش هیچ انسانی شاغل نیستم. بخاطر این بود که یک جمله حدود سی ثانیه پیش گفتم که من هیچ وقت توی زندگی شاغل نبودم. من پیش هیچ مردمی، پیش هیچ انسانی شاغل نبودم. من از زمانیکه فهمیدم پیش خداوند شاغل شدم و خداوند هیچ وقت من را اخراج نمیکنه. از زمانیکه پیش خدا شاغل شدم چه اتفاقی توی زندگی افتاد؟ آرامش آمد توی زندگی. فهمیدم که روزی من دست بنده ها نیست، دست خداست. زمانیکه پیش خدا شاغل شدم می دونستم که خدا من را می فرسته فلان جا کار کنم. خوب ایراد نداره فلان جا در آمد از کار؛ خدا من را می فرسته جای بعدی. من پیش خدا شاغلم اون وظیفه داره به من حقوق بده. او وظیفه داره پول را وارد زندگی کنه. من این باور را نسبت به خدام دارم. من این باور را نسبت به زندگی دارم. من باور دارم که پول هست. من باور دارم که پیش هیچ انسانی در دنیا شاغل نیستم. نه بودم، نه هستم و نه خواهم بود. من پیش خداوند شاغلم و خداوند به من روزی میرسونه. حالا اون 99 درصد میگویند پول نیست. آن 99 درصد میگویند پول نیست. بگذارید دو تا آمار بهتون بگم حال کنید. آن 99 درصدی که میگویند پول دست مردم نیست، برن یک تحقیق کنند در مورد مصرف سیگار ایران، مردم چقدر سیگار کشیدند در سال قبل. یعنی در سال 97 مردم ایران چند میلیون تومان سیگار کشیدند. من خیلی وقتها می پرسم از آدمها، توی خبرگزاریها و روزنامه های مختلف زدند، توی گوگل هم سرچ کنید بخشی از اطلاعاتش بالا میاد. من می پرسم مردم ایران چقدر در سال سیگار می کشند؟ آدمها اول به من میگویند مثلاً یک میلیارد، بعد میگویند ده میلیارد، بعد میگویند صد میلیارد. بهشون میگویم نه بالاتر. میگویند پونصد میلیارد، بعد میگویم نه بالاتر، تو یکسال مصرف سیگار ایران بالاتر، بعد میگویند هزار میلیارد تومان، بعد میگویم باز هم بالاتر، بعد میگویند هزار و پونصد میلیارد تومان، بعد میگویم بالاتر، بعد میگویند دو هزار میلیارد تومان، میگویم بالاتر. مصرف سیگار ایران تو سال 97 سه هزار و چهارصد و سی میلیارد تومان بود؛ به عدد نگاه کنید. تو سال 97 سه هزار و چهارصد و سی میلیارد تومان در ایران سیگار کشیده شده. تقسیم کنید بر ده میلیون آدم سیگاری که داریم، ببینید نفری چقدر در میاد؟ سه هزار و چهارصد و سی میلیارد تومان مردم ایران خرج سیگار کردند. حالا سوال پول دست مردم هست یا نیست؟ آن 99 درصد میگویند نیست. من زمانیکه این آمار را میدم، میگویند اِه پس پول دست مردم هست. چجوری که مردم واسه سیگار خرج می کنند، واسه آن فروشگاههایی که تو زدی خرج نمیکنند؟ برای اینکه تو باورت مشکل داره. این اولین علت مشکل. چون باورت اینه که پول نیست، خوب پولم تو زندگی نیست. من چون باورم اینه که پول هست پس پولم تو زندگی هست. دقیقاً قانون نظام هستی. به هرچه باور داشته باشیم تو زندگی می بینیمش. یک آمار دیگه بهتون بدم، فکر می کنید مصرف فست فود ایران در سال 97 چقدر بوده؟ یعنی تو سال 97 چقدر برای فست فود اومدن خرج کردن. این خارج از رستوران رفتن، فقط فست فودها را دارم میگویم. آمارهای مختلف بین 12 هزار میلیارد تومان تا پونزده هزار و سیصد و ده میلیارد تومان گفتند. پونزده هزار میلیارد تومان مردم ایران تو سال گذشته خرج فست فود کردند. یعنی رفتن بیرون خوردن و یک یا دو ساعت بعد دفع کردند و اون چیزی که خوردن پینز است که خوردنش سرطان زاست. حالا چجوری که مردم برای فست فود خرج می کنند. می بیند زمانیکه من آمارهای جدید میدم، به این نتیجه میرسی که پول دست مردم هست. برو حساب کن که تو یکسال گذشته چقدر ایرانی ها کنسرت رفتند. تو شهر خودت را ببین، هر شهری که هستی برو تو سایت ایران کنسرت، ببین اگر کنسرت هست، ببین بلیط هاش چجوری فروش میره. پول دست مردم هست. کی میگه پول دست مردم نیست. اونیکه باور داره نیست خوب با آدمهایی روبرو میشه که همشون فقیرند. خیلی واسه من جالب بود؛ حدود شش ماه پیش، یک دوره تو خراسان جنوبی داشتم درباره پولسازی بود. یک آقای آمد پیشم که آموزشگاه دار بود ولی آموزشگاهی که داشت آموزشگاه موسیقی بود. آمد گفت آقای بصیری پول دست مردم نمی بینم هر که میاد آموزشگاه ما ثبت نام میکنه همه بدبخت و بیچاره و فلک زده و داغونند. گفتم پولهاشون را چجوری پرداخت می کنند؟ گفت همشون چک میان میدن، دویست تومان کلاس را چک میان میدن، آخرش هم پاس نمی کنند و از این حرفها. بهش گفتم که مهمترین مشکل تو چیه؟ تو باورت اینه که پول دست مردم نیست. بخاطر همین توی آموزشگاهات هم با آدمهایی روبرو میشی که پول دستشون نیست. به سختی خرج می کنند. حالا تو این باور را تو ذهنت ایجاد کن که پول هست، پول هست، پول هست چه اتفاقی میفته؟ از زمانیکه این باور در ذهنت ایجاد شد مشتری هایی به سراغت میان که همه پولدارند. این آدم سه ماه بعد از دوره به من پیام داد که آقای بصیری هرچه مشتری داره میاد بیست درصد هم بیشتر میکشه. میگویند از بس که کارتون خوب بذار بیشتر پول بدم. همشون هم دارند کارت میکشن چک دیگه تعطیل. خوب این آدم باورش رو عوض کرد. ما باید محدودیت های ذهنمون را بشکنیم. خیلی از محدودیتها توی ذهنمون. من یکی از ویلاهام در شمال کشور استخر داره.

و اسم خیلی جالب بود؛ بعد از سیزده بدر، هفته بعدش، ماهی قرمز سفره هفت سینمون را بردم داخل استخرم انداختم، و اسم خیلی جالب بود؛ تنگ ماهی را با دو تا ماهی داخلش بردم زیر آب و تنگ برگردوندم و از آب در آوردم. فکر می‌کنید ماهی‌ها بعد از اینکه تنگ را از آب خارج کردم؛ ماهی‌ها حرکتشون تو آب استخر چطوری بود؟ و اسم فوق‌العاده بود. محدودیت‌های ما همش توی ذهنمون رفقایی من. به جمله ام فکر کنید. محدودیت فقط توی ذهنه. اونیکه میگه پول نیست اونیکه میگه کار نیست محدودیت توی ذهنش. ماهی‌ها چجوری توی استخر حرکت می‌کردند؟ تا حدود دو ساعت ماهی‌ها فقط به شعاع تنگ توی استخر حرکت می‌کردند. ماهی 5 سانت 6 سانت می‌رفت آنطرف بر می‌گشت سر جای قبلیش، دوباره 5 یا 6 سانت می‌رفت آنطرف دوباره بر می‌گشت سر جای قبلیش. یعنی ماهی توی ذهنش این بود که همون ماهی که آدمها میگن فقط ذهنش 6 ثانیه یاری می‌کنه، تا دو ساعت ماهی تو شعاع تنگ حرکت می‌کرد. چی را میخام برات بگم؟ ماهی محدودیتش توی ذهنش؛ دیگه تنگی وجود نداره. ولی آن هنوز در شعاع تنگش حرکت میکنه. رفقایی جانم محدودیت‌های ما توی زندگی، توی ذهنمون. بخاطر این که میگم متافیزیک مهم، در اول مهم، باورهای پولساز مهم. محدودیتهای ذهنه را از بین ببری، باورهای پولساز در خودت ایجاد کنی، پول تو زندگیته، خلاقیت تو زندگیته، خدایوند عادل سر راه همه امکانات قرار میده. پس چرا یکسری امکانات را نمی‌بینند؟ چون اونا باورهایشون مشکل داره. دقیقا مثل آن ماهی هستند. میخام به این جمله فکر کنید. همتون این قضیه را داشتید. با باباهاتون صحبت کنید؛ همشون میگن من فلان سال یک زمینی بهم پیشنهاد شد که اگر می‌خریدم الان قیمتش پنج برابر بود، خدائیش نمیگن؟ بعد یک چیز دیگه، میگن فلان رفیق رفت دقیقا همان زمین را خرید، الان میلیاردی. خوب عزیز دلم تو چرا اون زمین را نخریدی؟ چرا نخریدی؟ چون باورهای مشکل داشت. خدا سر راه همه ما آدمها فرصتها، ایده‌ها و امکانات را قرار میده. و اگر باورت مشکل داشته باشه یک زمین با قیمت مناسب جلوت بیان بذارن، تو چی میگی؟ میگی نه من برای چه برم آن زمین را بخرم؟ اصلا این زمین نه آب نه برق و نه گاز داره. برای چه برم بخرمش؟ باورت باور محدود کننده است. چون باورت باور محدودیت. تو باورهای مشکل داره ولی رفیقت همان زمین را میخره، پولش ده برابر، بیست برابر، سی برابر میشه. من خیلی از رشدهای مالیم، از خرید و فروشهایم بوده. از خدایوند کمک میخام. یک چیزی را سر راهم قرار میده میخرمش؛ یکسال بعد قیمتش میشه 5 برابر. خوب خدا داره من را راهنمایی می‌کنه. خدا هممون رو راهنمایی می‌کنه. ولی اونیکه باورهای محدود کننده داره نمی‌تونه امکانات را ببینه، هی تو فاز منفی. کاری انجام نمیده. حالا میخام این جمله را روزی صد بار با خودتون تکرار کنید. من یک قانونی دارم بنام قانون تسبیح. میگم شما حتما به مدت سه ماه یک تسبیحی توی گردنتان باشه، تمریناتی که من بهتون میدم، انجام بدید. خیلی از آنها صدتایی هستند، روزی صد بار یک دور تسبیح تا پایان سه ماه روزی یک دور تسبیح. یعنی صد بار بگید پول هست، پول هست، پول هست، روزی یک دور تسبیح. من تا پایان یک ماه به شما روزی سه تا نیم ساعت تمرین میدم. یعنی روزی یکساعت و نیم شما باید تمرین کنید تا پایان سه ماه، بعد ببینید چه اتفاقی توی زندگیتون میفته. پس یک تمرینی که از امروز بهتون دادم تا پایان سه ماه باید چیکار کنید؟ تسبیح بگیرید دستتون روزی صد بار بگید پول هست، پول هست، پول هست. حالا از شما یک سوال می‌پرسم، پول هست یا نیست؟ میدونم الان باورهایتون تیکه تیکه تغییر میکنه. یک روز هر نوع قانون تسبیح را روی پول هست، پول هست اجرا کنی چه اتفاقی میفته؟ باورتون میشه که پول هست. زمانیکه باورتون بشه پول هست چه اتفاقی میفته؟ پول میاد تو زندگیتون. قانون زندگی باورهایتون. توجیه کنید میگم قانون. قانون چیه؟ وضع کننده خداست. قوانین را کی وضع کرده؟ قوانین تغییر ناپذیرند. وضع کننده قوانین خدایوند. قانون زندگی قانون باور. باور کنی پول بدست میاری؛ پول بدست میاری. باور کنی پول بدست نمیاری، پول بدست نمیاری. قانون زندگی قانون باور. تو می‌تونی این قانون را قبول داشته باشی، می‌تونی قبول نداشته باشی. اگر قبول نکنی چه اتفاقی میفته. اگر این قانون را قبول کنی چه اتفاقی میفته؟ زندگیته بهشت میشه. خودت بهشتی میشی. بهشت جای آدمهای باحال. ولت کنن بری بهشت، محال. تبدیل به آدم باحالی میشی. آدم پولدار با حال. معجزه میاد توی زندگیته، اگر این قانون را قبول کنی. اگر این قانون را قبول نداشته باشی چه اتفاقی میفته؟ فردات مثل امروزت، سال بعدت مثل امروزت. بزرگی می‌گفت، عده کمی از انسان ها 70 سال عمر می‌کنند، 99 درصد بقیه انسانها یکسال را 70 بار تکرار می‌کنند. قانون قبول نداشته باشی 70 سال دیگه ات هم مثل امسال. هفتاد سال باید در جا بزنی. من باور دارم از آسمان برام طلا می‌باره، خوب می‌باره. من قبول دارم هر چیزی که بخرم چند برابر میشه، خوب میشه. من قبول دارم توی هر کسب و کاری برم، میتروکنم، خوب میتروکنم. کاترین پاندر میگه من ساز و کار نظام هستی را پیدا کردم، کاترین پاندر میگه تو همونی که می‌اندیشی.. من میگم تو همانی که می‌اندیشی و اعلام می‌کنی. چجوری فکر می‌کنی؟ باورهای چیه؟ زندگیته همان باورهایت. هر چیزی که تو زندگی باور داشته باشی تو زندگیته خلق میشه. باورت داشته باش پول میاد، پول میاد. باور داشته باش پول هست، خوب پول هست. باور داشته باشی پول نیست، خوب نیست. آدمها نون باورهایشون را می‌خورن. به جمله ام توجه کن. ما آدمها نون باورمون را می‌خوریم. من محمد بصیری اعتقاد به خرکاری ندارم. من محمد بصیری اعتقاد ندارم تو باید 4 صبح بلند شی. هی آموزشهای مزخرف میدن. تو 4 صبح شروع کن پولدار میشی. اگر قرار بود 4 صبح بلند شدن، 5 صبح بیدار شدن، آدمها پولدار بشن، سیرابی فروش ها پولدار بودن، رفته گرها پولدار بودن، آنها صبح دارن کار می‌کنند. حالا چرا میگن تو سر صبح شروع کن؟ الگوهای غلط. ما کلی الگوی غلط داریم، ما کلی باورهای مزخرف داریم. یک درصد یهودی‌های دنیا دارن بر 99 درصد مردمهای دنیا حکومت می

کنند چرا؟ چون آنها باورهایی دارند که 99 درصد ندارند. 99 درصد آدمهای جامعه باورهای اشتباه دارند. با باورهای اشتباه به هیچ جا نمی‌رسیم. با باورهای اشتباه هر چقدر هم سگ دو بزنی، هر چقدر هم کار کنی، به جایی نمی‌رسی. من هر روز دارم با آدمهایی روبرو میشم که دارند میگن روزی پونزده ساعت، شونزده ساعت، هفده ساعت کار می‌کنیم، یک میلیون تومن حقوق می‌گیریم، یک و پونصد حقوق می‌گیریم. عزیز دلم تو فقط داری تلاش جسمی می‌کنی. باورت را درست کن، نصف آن کار کن، درآمدت چند برابر میشه. من اعتقاد ندارم ما باید خرکاری کنیم. خدا تو را نیافریده از سر صبح تا آخر شب سگ دو بزنی. خدا ما را آفریده لذت ببریم. ما باید با کمترین میزان تلاشمون بیشترین نتیجه را بگیریم. چجوری؟ باورهامون رو درست کنیم. ما ماشین اثبات باورهامون هستیم. به جمله ام فکر کن؛ ما ماشین اثبات باورهامون هستیم. یعنی به هر چیزی که باور داشته باشیم، خداوند باورمون را به ما اثبات می‌کنه. به جمله ام باید دقت کنی. من تو خیلی از شهرستان‌ها که میرم، آدمها میان پیشم میگن آقای بصیری نمیدانم چرا با هر کی دوست میشم، همشون آدمهای عوضین. همشون آدمهای بزن و در رویی هستند. ازش می‌پرسم خوب عزیز دلم، به این جمله من اول توجه کنید. ما ماشین اثبات باورهامون هستیم. میگه خوب. میگم باورت نسبت به آدمها چیه؟ فکر میکنه میگه، آدمها همشون عوضین. میگم زمانیکه باورت اینه آدمها همشون عوضین، خدا باورت رو اثبات میکنه. تو باورت اینه آدمها همشون عوضین من باورم اینه آدمها همشون فوق العاده ان، خدا آدمهایی سر راهم میذاره که فوق العاده ان. ما ماشین اثبات باورهامون هستیم. بذارید یک مثالی براتون بزنم. من و شما از هر شهری که هستیم، از ایران عزیزمون راه میفتیم میریم تایلند. چرا تایلند؟ تایلند خیلی خوش میگذره. میریم تایلند و تایلند یکسری جنگل هم داره. میریم توی یکی از جنگل‌های تایلند. یک دعوت کننده داشتیم که من و شما را دعوت کرده به تایلند. زمانیکه رفتیم داخل جنگل، میگه زمانیکه شما داشتید از شهر خودتون می‌آمدید، آیا با خودتون تبر آوردید؟ میگم نه ما تبر نیاوردیم. میگه دوباره برگردید شهر خودتون از خودتون اگر تبر دارید که دارید، تبرتون را هم با خودتون بیارید. خوب من و شما بر می‌گردیم و یک تبر با خودمون بر می‌داریم و بر می‌گردیم توی جنگل‌های تایلند همان کسی که ما را دعوت کرده به ما یکی چیزی میگه. میگه شما یک ساعت وقت داری که درخت قطع کنید، بوسيله همان تبری که با خودت آوردی. یکساعت وقت داری درخت قطع کنی و به ازای قطع هر درخت 1000 دلار به شما میدم. فکر می‌کنی هزار دلار الان میشه سیزده میلیون تومان و چقدر خوب و از این حرفها. بعد میگي تو یک ساعت می‌تونم صدتا درخت قطع کنم که میشه یک میلیارد و سیصد میلیون تومان به به. خوب طرف من و شما را کنار هم میذاره و میگه استارت. زمانیکه استارت را گفت شما شروع می‌کنی تبر زدن. هی بزن و هی بزن. من زمانیکه استارت را شنیدم میرم پشت یک درخت. تو همینجور داری تبر می‌زنی ده دقیقه، بیست دقیقه، سی دقیقه، چهل دقیقه می‌بینی درخت هیچ تغییری نکرده و حتی یک درخت را ننداختی. چرا؟ چون تبری که با خودت آوردی تایلند تبر تیزی نبوده. میام دنبال من می‌بینی من پشت یک درخت نشستم، دارم با یک سنگی تبرم را تیز می‌کنم. خوب بعد از اینکه من حدود چهل دقیقه تبرم را تیز کردم در بیست دقیقه پایانی با هر سه یا چهار ضربه یک درخت را میندازم. متوجه شدی؟ تبر استعاره از باورهای توست. تو زمانیکه با باور کند میری درخت قطع کنی، هیچ درختی قطع نمیشه. تو آمدی کلی زحمت کشیدی ولی به هیچ نتیجه‌ای ختم نشده. بعد نکته جالب اینه که تو زمانیکه مشغول تبر زدن با تبر کندت هستی اگر ببینی من پشت یک درخت نشستم و تبر نمی‌زنم به من چی میگي؟ کسی که باورهای مشکل داره، چی میگي؟ میگه پاشو خودت را مسخره کردی؟ بیا تبر بزن، زحمت بکش، درخت قطع کن. ولی من با قوانین آشنا. من میدونم با تبر کند درخت قطع نمیشه. من باید تبرم را تیز کنم. تبر استعاره از باورهای توست. تو زمانیکه باورهای تو تیز میکنی، اصلا تو زمان کم نتایج فوق العاده برات رغم می‌خوره. تو زمان کم یکسری نتایج میگیری و او. یکسری نتایج می‌گیری که خودت شگفت زده میشی. بعد واسه من می‌فرستی که بصیری من فلان اتفاق توی زندگیم افتاده؛ این همه دنبال کار می‌گشتم کار پیدا نمی‌شد، از زمانیکه باورم درست شد، آدمها به من پیشنهاد کار میدن. آدمها با درصد بالا به من پیشنهاد کار میدن. علت چیه؟ زمانیکه تو باورهای قدرتمند میشه چه اتفاقی میفته؟ نتایج فوق العاده می‌گیری. باید الان چیکار کنی؟ باید باورهای اشتباهت را شناسایی کنی. باورها از کجا در ما آدمها شکل میگیره. این هم بهتون بگم. بعضی منابع میگن یک تا هفت سال، بعضی میگن یک تا دوازده سال. باورها بواسطه آدمهای نزدیک در بچگی در شما ایجاد شده. مامانت، بابات، اطرافیان چجوری صحبت می‌کردند؟ تو بچگی معلمت چجوری صحبت می‌کرده با تو؟ چه حرفهایی را می‌زده بهت؟ تلوزیون چی را پخش می‌کرده؟ چرا 99 درصد مردم ایران وضعیت مالی مزخرفی دارند؟ چون باورهای مشکل دارند. چرا باورهای مشکل داره؟ چون از بچگی بهشون گفتن پول به راحتی بدست نیاید. خوب کسی که باورش اینه پول به راحتی به دست نیاید، پولم به راحتی در زندگیش به دست نیاید. اونیکه باور داره باید سگ دو بزنی، خوب باید بزنی. ما باورهای مشکلدار توی زندگیمون داریم. زمانیکه باورهامون را درست کنیم همه چیز زندگیمون درست میشه. حالا من متخصص پولسازیم. من متخصص باورسازیم. تو خیلی از شهرهای ایران و کشورهای مختلف دنیا رفتن دوره دیدم. من بدم چطوری میشه پول در آورد. یکسری‌ها هستند که به شما میگن، شما برو فلان کار را انجام بده. بعد بهش میگي من پولدار میشم. میگه ان شاء اله. یعنی چی ان شاء اله. ان شاء اله اصلا یعنی چی؟ من با ان شاء اله مشکل دارم. خدا آن چیزی را میخاد که تو میخای. خواست خداوند خواست تو و چه بسا خداوند بیشتر از تو راغب تو به خواسته ات برسی. من علوم تشکیکی بهت یاد نمیدم من علوم قطعی بهت یاد میدم. من یک چیزی را بهت یاد نمیدم که فردا روز بهت بگم

حالا تو رفتی انجام کردی نشد دیگه . یک چیزی را بهت یاد میدم که اگر اجرا نی صد در صد بشه. علوم قطعی را بهت یاد میدم. خیلی وقتها هست آنها میان پیش من که آقای بصیری به نظرت من پولدار میشم؟ من یک تستی را میدارم جلوشون. تست پولسازی. بذارید اصلا این تست را با شما هم انجام بدیم. با همین وضعیتی که دارید اصلا فرض کنید توی دوره من شرکت نکردید؛ جواب سوالهای من را برای تست پولسازی بر اساس تفکرات دیروزتون بدید. قبل از اینکه فایلها را بشنوید. بر اساس الانتون نه. الان شما دارید تغییر می کنید. فایلها را من سراسر انرژی. سراسر باور جدید که داره به سمت پرتاب میشه. با مغز دیروزت جواب بده. خودکار، کاغذها که حتما همراهات هست. بذارید براتون تست پولسازی انجام بدم ببینم با باورهایی که تا دیروز داشتید، اصلا احتمال داشته پولدار بشی. باید ده تا جمله ای که میگم را یادداشت کنید، به هر جمله بین 1 تا 10 نمره بدید. بین 1 تا 10 نمره بدید یعنی چقدر به این جمله باور دارید؟ بر اساس مغز دیروزت نمره بده. بر اساس الانت نه. چون بر اساس الانت خواهی نمره بدی، خیلی هاش رو بالا نمره میدی. چون تو الان وارد مدار جدید شدی. وارد مدار پولسازی شدی. بر اساس مغز دیروزت جواب بده. پس ده تا جمله میگم، جملات را یادداشت کنید و همان موقع که جمله را گفتم بین 1 تا 10 بهش نمره بده. اگر خیلی به این جمله ای که من میگم معتقد بودی، بهش ده بده. اگر یک کم معتقد بودی شش بده. اگر اصلا معتقد نبودی یک بده. بر اساس باورت و اعتقادات به این جمله، نمره بده بین 1 تا 10. جمله اول را یادداشت کن. بدست آوردن پول آسانترین کار دنیاست. من الان به این باور رسیدم که پول در آوردن دقیقاً مثل نفس کشیدن. همینجوری که به راحتی میتونیم نفس بکشیم، به راحتی هم می تونیم پول در بیاریم. حالا تو بر اساس مغز دیروزت، چقدر به این جمله اعتقاد داشتی؟ اگر اصلا اعتقاد نداشتی که آسانترین کار، بعضی ها اینجوریند دوست دارم واقعبیت جواب بدید. واقعبیت جواب دادن خیلی تاثیر گذاره. تو زمانیکه به خودت دروغ بگی، دیگه تموم. دیگه به نتیجه نمیرسی. باید بر اساس واقعبیت جلو بری. بدست آوردن پول آسانترین کار دنیاست، نمره ات را بنویس. جمله دوم، هر چقدر ایمان انسان بالاتر رود، انسان ثروتمندتر می شود. جمله رو ببین، به به. هر چقدر ایمان من بالاتر بره، ایمانم به کی؟ ایمانم به خدا، به خودم. به دو تا خ خدا و خودم. هر چقدر ایمان من بالاتر بر من ثروتمندتر میشم. اگر باور کامل داری عدد ده را بده. بر اساس ایمانی که داری عدد بین 1 تا 10 بده. جمله سوم، در ایران پول در آوردن خیلی آسانتر از کشورهای آمریکایی و اروپایی هست. بیه این جمله نمره بده. من الان باور دارم که پول در آوردن توی ایران به شدت آسان. چرا؟ چون 99 درصد ما ایرانی ها شیرازی هستیم. من شیرازی میگم شوخی می کنم. شیرازی ها خیلی آدمهای دوست داشتنی هستند. من اعتقاد دارم ما ایرانی ها 99 درصد چون خیلی تنبل هستند، پول در آوردن در ایران خیلی آسانتر. تو یک کوچولو تلاش کنی، یک کوچولو خلاقیت بخرج بدی، یک کوچولو باورهایت را درست کنی به راحتی می تونی پول دربیاری. پس به این جمله بر اساس مغز دیروزت نمره بده. جمله چهارم. تحصیلات دانشگاهی و آکادمیک تاثیر آنچنانی در ثروتمند شدن ندارد. برام خیلی جالب بود. دیروز توی پیام ها دیدم یک خانمی پیام داده بود که آقای بصیری من بعد از اینکه فایل شما را گوش کردم تصمیم گرفتم برای کنکور درس نخونم. چون من می خواستم با قبولی در کنکور پزشکی بخونم تا به واسطه پزشکی پولدار بشم. الان فهمیدم پزشکی هدف من نبوده پول هدف من بوده. خوب چرا 7 سال، 10 سال زندگیش را بذاره از همین الان برو دنبال پول. من هر ماه مراجعه کننده هایی دارم از شهرهای استان های مختلف که پزشک و دندان پزشک هستند ولی مطب هاشون خالیه. میگن چیکار کنیم که مطبمون پر بشه. رفتند سالیان سال درس خوندن ولی مطب خالیه. دیگه گذشت آن زمانیکه تو بواسطه دکترا، بواسطه مدرکت مطب پر میشدی. الان اصلا از این خبرها نیست. باید باورهایت را درست کنی. خوب جمله چهارم را هم بهتون گفتم نمره بدید. جمله پنجم. من در هر کاری که بشم سود عالی کسب می کنم. بعضی ها باورشون اینه که من در هر کاری که میرم گند میزنم. حدود یک ماه پیش یک مراجعه کننده ای داشتیم که می گفت من در هر کاری که میرم آن کار کلا ورشکست میشه. خوب با این باور هر کار دیگه ای هم که راه بیندازه ورشکست میشه. من اصلا از وضع نابسامان مملکت و گرانی و بیکاری و صحبت هایی از این قبیل اصلا صحبت نمی کنم. اگر اصلا صحبت نمی کنی 10 و اگر کمتر صحبت می کنی، کمتر نمره بده. من در زندگیم اصلا راجع به فقر صحبت نمی کنم. چون از کلامت بر تو حکم می شود. اگر تو راجع به فقر صحبت کنی فقر را به زندگیت دعوت می کنی. اگر راجع به بیکاری صحبت کنی، بیکاری را به زندگیت دعوت می کنی. اگر راجع به زدی صحبت کنی، زدی را به زندگیت دعوت می کنی. من این کار را انجام نمیدم. کی ها این قضیه را تو خانواده هاشون داشتند که یکی تو خانواده مریض میشه، مثلا سرطان داره. بعد کل خانواده درباره سرطان این بنده خدا هی با همدیگه صحبت می کنند. پایان یکسال چه اتفاقی میفته دو تا دیگه از اعضای خانواده هم سرطان می گیرند. علت چیه؟ ما راجع به هر چی صحبت می کنیم تو زندگی پدیدارش می کنیم. راجع به ثروتمندی صحبت می کنید یا راجع به فقر و گرانی و بیکاری. راجع به هر چی صحبت کنی تو زندگیت پدیدار میشه. من اصلا راجع به فقر صحبت نمی کنم. من مخالف درجه یک انتقادهای مزخرفم. بعضی ها تو کشور هستند که کارشون اینه که فقط انتقاد کنند. منم انتقاد دارم به عملکرد مسئولین. من هم اعتقاد دارم که خیلی از تصمیمات اشکال داره. ولی من میخام پولدار بشم. من میدونم با صحبت کردن راجع به مشکلات کشور، مشکلات بیشتری به زندگی خودم دعوت می کنم. مگه دیوانه ام که مشکل به زندگی خودم دعوت کنم. من راجع به ثروتمندی صحبت می کنم راجع به حال خوب صحبت می کنم. حال بهتری به زندگیم دعوت می کنم. جمله ششم. من وقتی خانه گرانیقیمت یا ماشین گرانیقیمت می بینم، خوشحال می شوم، واو،

خیلی مهم. ماشین گرانقیمت می بینی، خونه چند میلیاردی می بینی، خوشحال میشی؟ یا میگی این پدر سوخته دزد، معلوم نیست که پول کی را کرده تو شیشه تا این را خریده. من در بچگی خیلی سالها توی خونه مستجری می نشستم. از بچگی زمانیکه آدم پولدار می دیدیم، بابا می گفت، ببین من مثل اینها دزد که نیستم. و رفته بود توی باورهای ذهنی من که پولدارها همشون دزدند. می بینید چه باورت سمی است. کسی که باورش این باشه که پولدارها همشون دزدند، هیچوقت تو زندگیش پولدار نمیشه. چون روح ما انسانها نمی خواد دزد باشه. گرفتید جریان چیه؟ دارم چیزی را بهت آموزش میدم که تو ایران هیچکس نمیگه. خیلی مهمه. جمله هشتم. هر زمانیکه پول زیادی بدست می آورم، اولین کاری که می کنم، کمک به نیازمندان است. باور کنید از هر دستی بدي، از همان دست می گیری. ما مگه تو قرآن نداریم، یک دانه را میکاری، دهها و صدها خوشه به بار میاد که در خوشه، صدها دانه است. تو یک کمک کوچولو می کنی صدها برابرش به طرف تو بر می گرده. چقدر تو زندگی کمک می کنی؟ صد هزار تومان دستت میاد میری ده درصدش را ببخشی. واسم خیلی جالب این 99 درصد که زندگی های مزخرف دارند، زمانیکه این جمله را بهشون میگم، درجا میگویند خودم از همه نیازمندترم. مطمئنم خیلی هاتون این مشکل را دارید. آیا شما وقتی پول دستت میاد، درجا بخشی از آن را می بخشید؟ نمی گم همش را ببخش. میری بخشی از آن را ببخشی. خوب به این جمله هم نمره بده. جمله نهم. بیشتر ثروتمندان انسان های خوبی هستند و از راههای درست ثروتمند شده اند. به جمله توجه کن. بیشتر ثروتمندان انسان های خوبی هستند و از راههای درستی ثروتمند شده اند. مطمئنم اگر تا دیروز ازت می پرسیدم آدمها چجوری ثروتمند میشند، می گفتی بیشترشون دزدی می کنند، اختلاس می کنند، کلاهبرداری می کنند ولی من صدها آدم را می شناسم که درآمدهای فوق العاده میلیاردی دارند، دزدی هم نمی کنند. وام دولتی هم نمی گیرند، به هیچ رانتي هم وصل نیستند. من کلی آدم خوب می شناسم. حالا تو باورت چجوریه؟ آیا تو هم باور داری که بیشتر ثروتمندان آدمهای خوبی هستند؟ جمله دهم. عاشق آدمهای روی زمین هستم. و همیشه در اندیشه خدمت هستم. خیلی جمله مهم. ببین جمله دهم دو بخش. عاشق انسان های روز زمین هستی یا نیستی؟ 99 درصد ایرانی ها از بقیه مردم منتفرنند. 99 درصد ما ایرانی ها از اصلا در اندیشه خدمت نیستیم. همش به این فکر می کنیم که اگر من خدمتی کنم، باید یک پولی را طرف به من بده. اگر اینجوری فکر کنی، شما خدا را نمی شناسی. اگر اینجوری فکر کنی، شما نظام هستی را نشناختی. اگر اینجوری فکر کنی قانونمندی های نظام هندسی را نشناختی. مگه پول را مردم به من میدن. مردم وسیله خداوند هستند. مردم دست خداوند هستند. من هر وقت کسی پولی را به دستم می رسونه، هر وقت کلاسی برگزار می کنم، آدمها میان به من پول میدن، من ازشون تشکر می کنم. ولی میدونم آدمها نیستند که به من پول میدن. من میدونم آدمها دست خداوند هستند. خداوند داره به من پول میده خداوند انداخته تو دل آدمها، فلان پول را به من بدن. یک چیز با حال بهتون بگم. کلاس سی میلیونی فکر می کنی، آدمها باید پول بدن یا نند؟ خوب 99 درصد آدمها، آدم معمولیند. آنها نیکه زندگی های معمولی دارند میگویند کلاس سی میلیونی! کی پیدا میشه؟ بعضی از این 99 درصدی ها که به هیچ جا نمی رسند میگویند کدام اسکولی پیدا میشه که سی میلیون بابت کلاس بده. ولی من قانونمندی های نظام هستی را می شناسم. بخاطر همین که هر شهرستانی میرم دهها آدم میان کلاس من ثبت نام می کنند، کلاس سی میلیون تومانی. چرا چون خداوند تو دلشون انداخته بیان کلاس من ثبت نام کنند. من از آدمها تشکر می کنم برای کاری که برای من انجام میدم. ولی من میدونم که آدمها دست خداوند هستند. به این جمله فکر کنید، طرف میگه بصیرتی بدبخت می کنم. اگر من بواسطه حرف این آدم ناراحت بشم یعنی قدرت را به کی دادم؟ قدرت را دادم به آن آدم درحالیکه آن آدم دست خداوند. مگه یک آدم میتونه من را بدبخت کنه، اگر خدا نخاد. من همیشه میگم صاحب آبرو خداست. طرف میگه آبروت را می برم. صاحب آبرو خداست. انسانها دست خداوند هستند. تا زمانیکه خدا نخاد، آبروی کسی ریخته نمیشه. به جمله دهم فکر کنید. عاشق انسانهای روی زمین هستم و همیشه در اندیشه خدمت هستم. خوب این ده تا جمله را باید چیکار کنی؟ این ده تا جمله را روی کاغذ یادداشت کنید، کنار هر جمله از صفر تا ده نمره بدید و پایان ده جمله نمراتون را با همدیگه جمع کنید. طرف مثلاً میگه بدست آوردن پول آسانترین کار دنیاست، نمرش یک، هرچقدر ایمان انسان بیشتر باشد، انسان ثروتمند تر می شود، نمرش پنج. هر نمره ای که شما فکر می کنی با مغز دیروزت. پس الان باید چیکار کنی؟ باید کاری که انجام میدی این باشه. ده تا جمله را روی کاغذ می نویسی، نمراتش را کنارش می نویسی. جمع نمراتش را پائینش می نویسی، از روی کاغذ عکس می گیری برای من می فرستی. جمله دهم را یادتون نره. من عاشق انسان های روز زمین هستم و همیشه در اندیشه خدمت. کلاس رایگانی که من دارم در آن به شما آموزش میدم، حداقلی یک میلیارد تومان توی ایران و خارج از ایران برات خرج کردم. چرا به صورت رایگان دارم ارائه میدم. چون من میدونم که اگر من به مردم کشورم خدمت کنم، خداوند از دست دیگه خودش به من روزی رسانی می کنه. یک چیز خیلی با حال بهتون بگم. بهتون گفتم که سال 91 یکبار دیگه من این کلاس را بصورت رایگان برگزار کردم. حالا یک نکته جالب، زمانیکه تمام شد، نزدیک یک چهارم شرکت کننده ها بین یک میلیون تا بیست و پنج میلیون پول به حساب من ریختند. با اینکه کلاس من کاملاً رایگان بود. بهشون می گفتم چرا دارید پول میریزید؟ می گفتند آقای بصیری، من بواسطه کلاس شما 50 میلیون تومان در آوردم. خوب شما باعث این 50 ملیون شدید، بخشی از آن تقدیم شما. و یک چیز دیگه بهتون بگم. من زمانیکه به کسی بصورت رایگان خدمتی می کنم، خداوند بواسطه 7 میلیارد دستی که داره به من خدمت می رساند. 7 میلیارد انسان های روز زمین دست های خداوند هستند. به من خدمت می رسه به من پول می رسه و

اتفاقات فوق العاده توي زندگيم ميفته. يك چيز ديگه هم بهترين بگم. خيلي دوست دارم همش باهاتون صحبت كنم و تجربه هام را بگم. آدمها زماني تو زندگيشون استرس ايجاد ميشه، زماني آدمها بهشون فشار عصبي وارد ميشه، كه قدرت را در دست مردم مي بينند. عزيزان دلم. در اين عالم همه قدرت در دستان خداست. همه قدرت در دستان خداست. آدمها هيچ نيرويي در اين دنيا ندارند. من باور دارم كه خداوند از بي شمار راه ميتونه به من پول برسونه. به من ميتونه خوشحالي برسونه، خوشبختي را برسونه. بخاطر اينه كه من پشت يك در متوقف نميشم. من بجاي كوبيدن يك در بصورت پيوسته، كه در مردم باشه، من در خداوند را مي كويم. من ساليان سال كه از مردم هيچي نخواستم. از مردم درخواستي ندارم. چون من ميدونم مردم نيرويي ندارند. قدرت در دستان خداست عزيزانم. زمانيكه قدرت را در دستان خداوند ببيني، آرامي. چون خدا از بي شمار راه به تو مي تونه روزي برسونه. ازت ميخام رفقيم من، فابل اين جلسه را كه يكساعت ميشه، بارها و بارها گوش كني. و تمرين را انجام بديد. عزيزان دلم عاشقتونم، عاشقتونم، عاشقتونم چون شما تکه اي از خداوند هستيد. چون شما خود خداوند هستيد. از خداوند ميخام بدرخشيد، آرام باشيد. از خداوند ميخام پول بدست بياريد عالي زياد. آنقدر كه نتونيد بشماريدش و با پولتون بتونيد به هزاران آدم خدمت كنيد. تا سلامي ديگه همتون را به خداوند منان مي سپارم. عزيزان دلم شبتون بهشت. . .

tovman.ir